کشیش تت استوارت

تــشخـیـص
ا ر ا د ة
خـد ا

مؤسسة تعلیم
www.TalimMinistries.com
KelisaOnline.com Production

فهرست مطالب

بخش ***صفحه***

TALIM MINISTRIES, INC.
P.O. BOX 47 17 36
Aurora, Colorado 80047-1736
Fax: +1-303-873 62 16
www.TalimMinistries.com

KelisaOnline.com Production

(Anno Domini 2003)

بخش اول

تشخیص ارادهٔ خدا

"سِرّ خداوند با ترسندگان اوست."

(مزمور 25: 14)

ما هرروزه در خصوص زندگی و خدمت فردی خود با تصمیم گیریهایی روبرو هستیم. اگربه امر خدمت به ایمانداران مشغولیم، ایشان حتماً درباره تصمیماتشان از ما مشورت می طلبند. حال چگونه می توانیم اطمینان حاصل کنیم که روش ما برای درک ارادهٔ خدا روشی است صحیح؟ من بر این باورم که درک ارادهٔ خدا و تفسیر آن برای دیگران بزرگترین عرصه ای است که ما شبانان در آن دخل و تصرف می کنیم. ما اغلب اراده و خواست خود را با ارادهٔ خدا اشتباه می گیریم و سپس آن را برای دیگران تفسیر می کنیم و ارادهٔ خدا را وسیله ای می سازیم برای رسیدن به منافع شخصی مان. اما بجاست که تعالیم کتابمقدس را در خصوص درک ارادهٔ خدا مجدداً بررسی کنیم.

درابتدا باید به خاطر داشته باشیم که خداوند خواستار این است که ارادهٔ خود را برای فرزندانش آشکار نماید. نخستین روشی که برای این فرآیند قرار داده،استفاده از کلام اوست. بنابراین هرچه بیشتر باکلام خدا آشنا باشیم، بهتر بر حل این مشکل فائق خواهیم آمد. البته باید این نکته را خاطر نشان سازم که من بر این باورم که خدا بطور مستقیم نیز با ما صحبت می کند. در مزمور 14:25 می خوانیم "سرّ خدا با ترسندگان اوست." و در عاموس 7:3 چنین آمده که "زیرا خداوند یهوه کاری نمی

کند جز اینکه سِرِ خویش را به بندگان خود، انبیاء مکشوف می سازد." و اگر این آیات کفایت نمی کنند، کلام عیسی مسیح را داریم که می فرماید:"گوسفندان من آواز مرا می شنوند، من آنها را می شناسم و مرا متابعت می کنند" (یوحنا 27:10). اما چگونه می توانیم اطمینان حاصل کنیم که آنچه می شنویم صدای خداست؟

داود نبی در مزمور 25 در خصوص نگرشی سخن می گوید که طالبانِ شنیدن صدای خدا و درک ارادهٔ او باید از آن برخوردار باشند. امیدوارم که خودتان این مزمور را بدقت مورد مطالعه قرار دهید. اما لطفاً اجازه بدهید که در این مورد به چند نکته اشاره کنم:

نخست باید مشتاق دریافتن آنچه باشیم که موجب خشنودی خداست. "ای خداوند طریق های خود را به من بیاموز... مرا به راستی خود سالک گردان و مرا تعلیم ده" (آیات 4-5). دیگر آنکه خداوند هادی فروتنان است نه متکبران : "مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد" (آیات 12-14). نکته دیگر اینکه خداوند ارادهٔ خود را بر خداترسان و مطیعان آشکار می کند که در حضور او با ستایش و حمد سر تعظیم و تکریم فرو می آورند. مضافاً اینکه از مطالعه رومیان 1: 2-12 درمی یابیم که خداوند اراده اش را برآنان آشکار میسازد که حتی پیش از درک ارادهٔ او، مطیع و سرسپردهٔ وی هستند. او هادی کسانی است که دنیا تعیین کنندهٔ نحوه تفکرشان نیست بلکه خود از دریچه کلام خدا به زندگی نگاه می کنند.

خدا در این خصوص که ایمانداران چگونه ادارهٔ اورا درک وتفسیرمی کنند بسیار حساس است، و به دقت روشهای غیر قابل قبول را مشخص می سازد. در تثنیه 18: 10-12 می خوانیم "و در میان تو کسی یافت نشود که پسر یا دختر خود را از آتش بگذرانند، و نه فالگیر و نه غیب گو و نه افسونگر و نه جادوگر، و نه ساحر و نه سئوال کننده از اجنه و نه رمال و نه کسی که از مردگان مشورت می گیرد. زیرا که هر که این کارها را کند نزد خداوند مکروه است وبه سبب این رجاسات، یهوه خدایت، آنها را ازحضور تو اخراج می کند."

در ابتدا با خواندن این آیات ممکن است فکر کنید که مردم امروزه در کلیسای عیسی مسیح دست به اینگونه اعمال شیطانی نمی زنند . اما بیایید با هم به بعضی از عاداتی که در بسیاری از کلیساهای ما مرسومند نظری بیندازیم. ما باید قلب خود را تفحص کنیم و مطمئن شویم که در مسیر درک و تعیین ارادهٔ خدا، با روشهای خود، او را آزرده نمی سازیم .

من در کلیساهایمان چهار روش گناه آلود را مشاهده کرده ام که به ترتیب آنها را ذکر می کنم:

1- اشتباه گرفتن احساسات قلبی خودمان با ارادهٔ خدا

برخی اینگونه فکر می کنند که پس از دعا و طلبیدن ارادهٔ الهی، اولین احساسی که بدیشان دست می دهد، نشانی است از ارادهٔ خدا. این افراد آمال و آرزوهای خود را با ارادهٔ خدا اشتباه می گیرند. حتماً تاکنون بارها شنیده اید که گفته اند"خداوند این موضوع را در قلب من گذاشته است". در واقع این چیزی نیست که خدا برای آنان آشکار کرده باشد، بلکه نتیجهٔ تصورات و خیال پردازی هایی است که پیرامون آرزوهایشان داشته اند. خوب به یاد دارم که یکبار برادرم به من گفت خانمی مسن به او گفته بود:"خدا به من نشان داده که با شما ازدواج کنم." و برادرم در جواب به او گفته است: "چگونه است که خداوند فقط این موضوع را به شما نشان داده است؟" آیا خدا در نشان دادن ارادهٔ خود به فرزندانش تبعیض قائل می شود؟ خوب است که آنچه را ارمیای نبی در خصوص قلبهایمان گفته به خاطر بیاوریم "دل از هر چیز دیگر فریبنده تر است و بی علاج،کیست که اسرار آنرا بداند؟" (ارمیاء 9:17). هر چند کتابمقدس در نقطهٔ مقابل به ما تعلیم می دهد که فریفته نشویم و بدانیم که "راهی است که در نظر انسان راست می نماید، اما عاقبت آن منتهی به هلاکت است." (امثال 25:16)و دیگر اینکه مطابق اول یوحنا 1:4 روح ها را بیازمائیم و از حکما مشورت بجویئم زیرا "حکمت نزد آنان است که پند و اندرز می پذیرند" (امثال 10:13). باید تمامی احساسات قلبی

مان را با محک کلام خدا بسنجیم و در خصوصشان از ایمانداران حکیم و روحانی مشورت بطلبیم.

2- استفادهٔ غلط از کلام خدا

به شکل "درکتاب بازکردن"ویا"فالگیری".برخی در این روش، کتابمقدس را بطور اتفاقی باز می کنند و به مجرد اینکه چشمشان به آیه ای افتاد باور می کنند که همان آیه هدایت خدا است برای ایشان. استفاده از این روش ممکن است نتایج مضحکی دربر داشته باشد، نظیر داستان آن شخصی که بطور اتفاقی کتابمقدس را باز کرد و چشمش به این آیه افتاد: "یهودا بیرون رفت وخود را به دار آویخت". سپس یکه خورد و مجدداً کتابمقدس را باز کرد و این آیه را دید "برو و تو نیز چنین کن!" این بار که دیگر کاملاً جا خورده بود کتابمقدس را باز کرد و چنین خواند "در آنچه می خواهی بکنی، تعجیل کن!" هر چند این نمونه مضحک به نظر می رسد، اما بخوبی نشانگر این واقعیت است که اگر توسط کتابمقدس در طلب درک هدایت الهی باشیم، پس باید برای مطالعه آن برنامه منظم و اصولی داشته باشیم، و آنگاه از دیدن اینکه چگونه کلام خدا هرروزه با ما سخن می گوید، شگفت زده خواهیم شد.

3- اشتباده گرفتن احساس آرامش قلبی بعنوان نشانی ازتأیید و ارادهٔ خدا

دررسالهٔ یعقوب 17:3 می خوانیم "حکمتی که از بالاست صلح آمیز است و ملایم." اما آرامش تنها و آخرین نشانه در تأیید ارادهٔ خدا نیست. وقتی یونس نبی از انجام ارادهٔ خدا سرباز زد و به دیاری دیگر می گریخت، در طی سفر آرام بر عرشهٔ کشتی بخواب رفت، در حالی که عیسی در نقطه مقابل برای انجام ارادهٔ خدا عرق خود بر پیشانی داشت. یک بار ایمانداری که قصد داشت با شخصی بی ایمان ازدواج کند، در پاسخ به اعتراض من چنین گفت: "خدا در مورد این موضوع به من آرامش داده است!" وقتی ما تصمیم می گیریم دست به عملی بزنیم که

مخالف کلام خداست، باید این نکته را بدانیم که حتی احساس آرامش نیز بکنیم، آن آرامش از جانب خدا نیست.

4- پذیرفتن راهنمایی ومشورت افرادی که ادعا می کنند ازجانب خدا پیامی برای ما دارند

بار دیگر باید این نکته را خاطر نشان کنم که من منکر این نیستم که خداوند می تواند از طریق دیگران نیز با ما صحبت کند، اما چنین هدایتی باید به مشورت ایمانداران حکیم و رهبران کلیسا صورت بگیرد. "هرفکری را به اسارت مسیح اسیر می سازیم" (دوم قرنتیان 5:10). خداوند مشتاق است که به هر یک از ما بیاموزد که چگونه صدای او را از طریق مطالعۀ کلام او تشخیص بدهیم زیرا هر یک باید برای اعمال خود پاسخگو و مسئول باشیم (دوم قرنتیان 10:5)

ما در همان حال که در پی شناخت خدا هستیم و با اطاعت و پیروی از فرامین او، ارادۀ مکشوف او را برای زندگی مان میطلبیم، می توانیم از او حکمت نیز بطلبیم و برکات الهی را در زندگی مان تجربه کنیم . "به جهت مستقیمان، حکمت کامل را ذخیره می کند، و برای آنانی که در کاملیت سلوک می نمایند، سپر می باشد" (امثال 7:2).

بخش دوم

روشهای درست برای تشخیص ارادهٔ خدا

"تاشمادریافت کنید که ارادهٔ نیکوی پسندیدهٔ کامل خدا چیست."
(رومیان 2:12)

همه فرزندان راستین خدا مشتاقند که ارادهٔ خدا را برای زندگی خود دریابند، زیرا می دانند که اگر در طرق خدا سلوک کنند، حتماً از برکات و قدرت او برخوردار خواهند شد.

در بخش قبل با بررسی مزمور 25، نگرشهایی را مورد توجه قرار دادیم که خدا برای کشف اراده اش از ما می طلبد. سپس هشدارهای مذکور در تثنیه 18: 10-12 در خصوص راههای نادرست برای تشخیص ارادهٔ خدا را بررسی کردیم. بطور خلاصه، اگر بگوئیم که ارادهٔ خدا را می دانیم اما در این زمینه از روشهای غیر کتابمقدسی استفاده کنیم، فرمان سوم خدا را شکسته ایم که می فرماید: "نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل بَرَد، بی گناه نخواهد شمرد" خروج 7:20) . لذا بسیار مهم است که برای تشخیص ارادهٔ خدا، روشهای درست را بیاموزیم و بکار ببریم.

دوگام برای تشخیص ارادهٔ خدا

گام اول

در رومیان 12: 2-1 ، پولس رسول دو شرط لازم برای کشف ارادهٔ خدا برا برمیشمارد. او در آیهٔ 2 می فرماید: "تا شما دریافت کنید که ارادهٔ نیکوی پسندیدهٔ کامل خدا چیست." اما پیش از کلمهٔ "تا" چه نکته ای آمده است؟ در آیهٔ ، می خوانیم که پولس از ایمانداران می خواهدکه در پرتو رحمت خدا، بدن خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم دارند. این نخستین گام است: تا حاضر نباشیم وجود خود را بطور کامل تسلیم خدا کنیم، قادر نخواهیم بود که ارادهٔ او را کشف کنیم. اما طبع بشری ما حکم می کند که ابتدا به دنبال درک ارادهٔ خدا باشیم، سپس تصمیم بگیریم که آیا می خواهیم مطیع آن بشویم یا نه. به عبارت دیگر، می خواهیم خواستهٔ خود را به خدا بگوئیم و بعد از او بخواهیم که نقشهٔ ما را تقدیس کند. چند بار شده که آرزوهای خود را با فریاد نزد خدا آورده ایم و از او خواسته ایم که آنها را برکت دهد؟!

می گویند روزی جوانی از شبانش وقت گرفت تا دربارهٔ آینده اش با او گفتگو کند. او برنامهٔ ده ساله ای را که برای زندگی خودش طرح کرده بود به شبان نشان داد و برای اینکه نشان دهد چقدر فرد روحانی است، از شبانش خواست که برای برنامه هایش دعا کند. شبان نگاهی به برنامه ها انداخت و گفت که بسیار خوب است، اما او فکر بهتری دارد. سپس از کشوی میزش کاغذ سفیدی در آورد و به جوان داد و گفت: "فکر می کنم خدا خیلی خوشحالتر بشود که تو این کاغذ سفید را امضاء کنی و آن را به خدا بدهی تا او آنرا با برنامه های خودش پرکند!" قیافهٔ جوان در هم رفت و حاضر نشد این کار را انجام دهد. منظور پولس نیز

همین بود. برای تشخیص ارادهٔ خدا، نخست باید برگهٔ خالی زندگی خود را امضاء کنیم و به او تقدیم داریم.

گام دوم

گام دومی که در این آیات در مورد درک ارادهٔ خدا ذکر شده، این است که باید بیاموزیم به روش کتابمقدس فکر کنیم. در آیهٔ 2، پولس فرموده: "به تازگی ذهن خود،صورت خودرا تبدیل دهید." باید به زندگی از دریچهٔ مکاشفهٔ خدا نگاه کنید. در مزمور 9:36 می خوانیم : "زیرا که نزد تو چشمهٔ حیات است و در نور تو نور را خواهیم دید." طبق کتابمقدس، پیش از آنکه ارادهٔ خدا را برای زندگی خود کشف کنیم، چه چیزی باید دربارهٔ ارادهٔ خدا بدانیم؟

کتابمقدس به سه طریق مشخص دربارهٔ خدا سخن می گوید. می فرماید که خدا: 1- اراده ای متعال دارد (افسسیان 11:1)، 2- اراده ای اخلاقی دارد (اول تسالونکیان 3:4) و 3- اراده ای برای تک تک فرزندان خود دارد (مزمور 8:138).برای تشخیص ارادهٔ خدا برای زندگی خود، باید این تعلیم کتابمقدس را درک کنیم.

توجه به ارادهٔ غایی خدا

ارادهٔ متعال خدا به روشنی در افسسیان 11:1 و 12 تشریخ شده است ، می فرماید : "مانیز در وی میراث شده ایم، چنانکه پیش معین گشتیم بر حسب قصد او که همهٔ چیزها را موافق رأی ارادهٔ خود می کند تا از ما که اول امیدوار به مسیح می بودیم ، جلال او ستوده شود." نخستین نکته ای که باید درک کرد، این است که خدا برای هر کاری که انجام می دهد، نقشه و برنامه ای دارد. هرچه این اراده را بهتر درک کنیم، بهتر انجامش خواهیم داد. در این مقاله فرصت آن نیست که نقشه

جامع کتابمقدس را مورد بررسی قرار دهیم، اما دست کم می توانیم بگوئیم که نقشۀ نجات خدا این است که هر آنچه که در باغ عدن از دست رفته بود، اعاده نماید و ملکوت خود را در جهان برقرار سازد. خواست او این است که جلال خود را به تمامی ملل بشناساند. اگر می خواهید اراده خدا را بدانید؛ سع کنید او را بعتر بشناسید و به آنچه در قلب اوست پی ببرید. بهترین راه برای نیل به این مقصود، این است که کتابمقدس را با پشتکار و دقت مطالعه کنید.

قطعیت ارادۀ خدا

ارادۀ خدا پیروز است

حقیقت مهم دیگر اسن است که اراده و هدف خدا همیشه به موقع اجرا در خواهد آمد. اشعیا با قدرت می فرماید: " ارادۀ من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را به جا خواهم آورد." سپس کمی دورتر می نویسد: " من گفتم و البته به جا خواهم آورد، و تقدیر نمودم و البته به وقوع خواهم رسانید " (اشعیا 10:46 و 11). کسی نمی تواند با ارادۀ خدا مقاومت کند؛ او آنچه را که مقدر فرموده است، عملی خواهد ساخت. "حکمتی نیست و نه فطانتی و نه مشورتی که به ضد خداوند به کار آید" (امثال 30:21). انسان برنامه هایی طرح می کند، اما خداست که آنها را عملی می سازد: "دل انسان در طریقش تفکر می کند، اما خداوند قدم هایش را استوار می سارد" (امثاب 9:16). این حقیقت باعث دلگرمی انسان است. دنیایی که در آن زندگی می کنیم، بطور اتفاقی یا به دست انسانهای شریر اداره نمی شود؛ ما در دنیایی زندگی می کنیم که در آن ارادۀ خدا همیشه پیروز می شود. یوسف پسر یعقوب وقتی که در دربار فرعون با برادرانش سخن می گفت، این حقیقت را به گونه ای زیبا بیان کرد: "شما دربارۀ من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن قصد نیکی کرد، تا کاری کند که قوم کثیری را احیاء نماید، چنانکه امروز شده است"

(پیدایش 20:50) . خدا همیشه از مشکلات استفاده می کند تا هدف و ملکوتش را به جلو ببرد.

حتی علیرغم شرارت این دنیا

خدا اجازه می دهد که بدی وجود داشته باشد و به انسان آزادی می دهد تا علیه او تصمیمات طغیان گرانه بگیرد، اما او از تمامی اینها استفاده می کند تا هدف غایی خود را جامهٔ عمل بپوشاند. پولس این نکته را اینچنین بیان می دارد: " می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب ارادهٔ او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت ایشان با هم درکار می باشند" (رومیان 28:8). کتابمقدس می فرماید که خدا همه چیز را برای ما مکشوف نساخته است: "چیزهای مخفی از آن یهوه خدای ماست، و اما چیزهای مکشوف تا به ابد از آن ما و فرزندان ماست، تا جمیع کلمات این شریعت را به عمل آوریم" (تثنیه 29:29). بکوشید تا آنجا که می توانید ارادهٔ متعال خدا را کشف کنید، در مورد اموری که درک نمی کنید، به خدا توکل کنید چرا که او همه چیز را در دست خود دارد و وعده داده که ما را در مسیح پیروزی زیاده عطا فرماید. به هنگام تصمیم گیریها، بدانید که خدا می تواند "در" تصمیمات شما، "ازطریق" تصمیمات شما، و"باوجود" تصمیمات شما عمل کند تا ارادهٔ خود را تحقق بخشد. تاریخ حقیقتاً داستانی است الهی! ژان کالوَن چه زیبا گفته است که "خدا فقط به تاریخ چشم ندوخته ، بلکه دستش نیز در آن عمل می کند."

تسلیم ارادهٔ خدا شویم

به بیانی عملی تر، می توانیم بگوئیم که ما در تصمیم گیری آزاد هستیم، اما هیچگان از قدرت کنترل کنندهٔ خدا آزاد نیستیم. ما باید

تصمیمات خود را با حالیت آمیخته به اطاعت از خدا اتخاذ کنیم. برای عملی کردن این منظور، دعا بهترین وسیله است. دعا کردن این نیست که به خدا بگوئیم که عالم هستی را چگونه اداره کند؛ دعا این است که در مقابل او سرتعظیم و تسلیم فرود آوریم و حاکمیت او را بر زندگی خود بپذیریم. دعا این است که در مقابل او سر تعظیم و تسلیم فرود آوریم و حاکمیت او را بر زندگی خود بپذیریم. دعا این است که مطابق تعلیم خداوندمان بگوئیم : "ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد؛ ملکوت تو بیاید؛ ارادهٔ تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود" (متی 9:6-10).وقتی نمی دانیم چه باید بکنیم، باید طبق فرمایش یعقوب رسول، از خدا طلب حکمت کنیم و یقین بداریم که او حکمت لازم را برای تصمیم گیری درست به ما عطا خواهد کرد. آنگاه وقتی که هرروزه خود را تسلیم او نمائیم و مطابق فرایض کلامش زندگی کنیم، می توانیم انتظار داشته باشیم که اراده اش را کشف نمائیم.

بخش سوّم

تشخیص درستی کارهایمان

"پایهای خود را از هر راه بد نگاه داشتم تا آن که کلام تو را حفظ کنم. از داوریهای تو رو برنگردانیدم، زیرا که تو مرا تعلیم دادی."
(مزمور119:101-102)

اخیراً پوستری بر روی داور کلیسایی نصب شده بود که روی آن این جمله به چشم می خورد: "تصمیم نگرفتن یک تصمیم گیری است." طفره رفتن از تصمیم گیری خودش نوعی تصمیم گیری است، تصمیم گرفتن به تصمیم نگرفتن! ما مسیحیان فرا خوانده شده ایم تا هر روزه تصمیماتی بگیریم که باعث جلال و حرمت خداوندمان عیسی مسیح گردد. گاه اتخاذ چنین تصمیماتی دشوار است و گرایش ما این است که از آنها شانه خالی کنیم. گاه از نتایج تصمیم گیری مان می ترسیم؛ می ترسیم که آبرویمان نزد دوستان عزیزمان برود. ما راه درست را می دانیم اما در ضمن می دانیم اگر این راه را انتخاب کنیم، چه اتفاقی خواهد افتاد؛ آماده نیستیم که بها را بپردازیم. بعضی اوقا نیز نمی دانیم عواقب تصمیماتمان چه خواهد بود، از اینرو از اتخاذ هر تصمیمی خودداری می کنیم. در اینجاست که ایمان ما وارد صحنه می شود. اگر مسیح و احکام او را پیروی می کنیم، این اطمینان را خواهیم داشت که اطاعت از خدا باعث برکت زندگی مان خواهد شد. یونس از انجام ارادهٔ خدا گریخت و سرانجام خود را در شکم یک نهنگ یافت، اما یوسف با فروتنی مطیع ارادهٔ خدا گردید و خدا نیز برای جلال خویش، او را به مقامی بلند منصوب ساخت.

حال، به خودمان نگاه کنیم، ما چگونه می توانیم ارادهٔ خدا را کشف کنیم؟ در بخش نخست از این مجموعه، دیدیم که چگونه بعضی ها ارادهٔ خدا را بهانه ای برای کسب منافع شخصی خود قرار می دهند. ارادهٔ خدا در انزوا مکشوف نمی شود؛ این امری خصوصی نیست، بلکه از طریق ارتباط با کلام خدا و قوم او دریافت می گردد. در بخش دوم، آموزهٔ حاکمیت خدا را بررسی کردیم و دیدیم که هر انسانی باید حاضر باشد تسلیم این حقیقت شود که خدا قادر مطلق است و تمام تاریخ را تحت کنترل دارد تا هدف و جلال خود را به کمال برساند. داود این حقیقت را در مزمور 33:10-11 اینچنین بیان می دارد: "خداوند مشورت امت ها را باطل می کند؛ تدبیرهای قبائل را نیست می گرداند. مشورت خداوند قائم است تا ابدالاباد؛ تدابیر قلب او تا دهرالدهور." ما مسیحیان به قضا و قدر اعتقاد نداریم، یعنی این اعتقاد که چون خدا کنترل امور را در دست دارد، ما دیگر هیچ مسئولیتی نداریم. به یاد دارم که یک باردر تهران سوار تاکسی شدم و راننده با سرعتی سرسام آور شروع به راندن کرد. از او خواهش کردم که کمی آهسته تر براند تا تصادف نکنیم. پاسخ او را هرگز از یاد نمی بریم؛ گفت : "هرچه خدا بخواهد، همان می شود." آنجا بود که پی بردم الهیات ما چقدر متفاوت است. رانندهٔ تاکسی به حاکمیت خدا اعتقاد داشت، اما نه به مسئولیت انسان. من نیز به حاکمیت خدا اعتقاد داشتم، اما در کنار آن به مسئولیت انسان نیز معتقد بودم. من اعتقاد داشتم که باید به خدا توکلی کنیم گویی همه چیز به او بستگی دارد، اما در ضمن باید طوری زندگی کنیم که گویی در مقابل خدا فقط ما برای همه چیز مسئولیم.

یک عالم الهی برجسته به نام رابینسون (Haddon Robinson) رابطهٔ میان ارادهٔ حاکمانهٔ خدا در جهان و مسئولیت اخلاقی انسان را تشریح کرده می گوید که حاکمیت خدا همچون قانون جاذبه است. هر خلبان خوبی آنرا محترم می شمارد و می داند که برای پرواز باید از قوانین آئرودینامیک تبعیت کند. این قوانین همچون احکام اخلاقی هستند. خلبان باید از آنها تبعیت کند. باید هواپیمایش سالم باشد و موتورهای

هواپیمایش به خوبی تعمیر و نگهداری شده باشد تا بتواند از زمین برخیزد. قانون جاذبه همیشه حاضر است، اما با تسلط بر قوانین آئرودینامیک و تعبیت از آنها، خلبان می تواند هواپیما را با موفقیت به مقصد برساند. حاکمیت خدا همواره حاضر و حاکم است تا هر اتفاقی را در جهت اراده و جلال خدا کنترل کند (رومیان 28:8). اما خدا آنانی را که احکام او را می شناسند و مطابق آنها زندگی می کنند، برکت می دهد. در کتابمقدس دو مورد هست که در آنها خدا وعدۀ موفقیت می دهد، یکی مزمور 1:1-3 است و دیگری یوشع 8:1 . در هر دو مورد، موفقیت ثمرۀ اطاعت از احکام اخلاقی خداست . اما سوء تفاهم نشود: ما فقط زمانی می توانیم از احکام خدا اطاعت کنیم که تولد تازه یافته و از روح القدس پر باشیم. "زانرو که تفکر جسم دشمنی خداست، چونکه شریعت خدا را اطاعت نمی کند، زیرا نمی تواند هم بکند. و کسانی که جسمانی هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند" (رومیان 8:7-8) . شریعت اخلاقی خدا معیار عدالت اوست، با اینکه نمی تواند ما را نجات بخشد. شریعت آشکار می سازد که ما "پیش از" تولد تازه، گناهکاریم و نمی توانیم زندگی عادلی داشته باشیم و به نجات دهنده نیاز داریم؛ نگاه داشتن شریعت اخلاقی خدا آشکار می سازد که ما "پس از" تولد تازه، عادل شمرده شده ایم. "خلاصه شریعت مقدس است و حکم مقدس و عادل و نیکو" (رومیان 12:7). پولس شادی کرده، می گوید: "از گناه آزاد شده، غلامان عدالت گشته اید" (رومیان 18:6). داود نیز این حقیقت را به خوبی درک کرده بود : "به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو" (مزمور 9:119).

همۀ ما ایمانداران باید بدانیم که ارادۀ خدا این است که دیگر در گناه زندگی نکنیم بلکه زندگی پاک و مقدسی داشته باشیم. پولس جای هیچ شکی باقی نمی گذارد وقتی می فرماید که "این است ارادۀ خدا یعنی قدوسیت شما" (اول تسالونکیان 3:4) . هر تصمیمی که می گیرید، باید کلام خدا را جستجو کنید تا یقین بدانید که گناه نمی کنید. مشکل این است که زندگی چیز پیچیده ای است و هرگز در موقعیتی خاص نمی توانیم

بگوئیم چه چیزی گناه است و چه چیزی نیست. لذا اجازه بدهید راههایی برای آزمایش کارهایمان پیشنهاد کنم تا بدانید که آیا کاری که می کنید درست است یا نه.

1- آیا کاملاً مطمئنید که آنچه می کنید گناه نیست؟
"پس هرکس در ذهن خود متقین بشود (یعنی یقین حاصل کند)" (رومیان 5:14). یک ایماندار واقعی وقتی می داند که گناه می کند، معمولاً مضطرب می شود و آرامش خود را از دست می دهد. همهٔ ما می توانیم برای گناهان خود بهانه تراشی کنیم، اما باید به آن نجوای آرام الهی که با قلبمان سخن می گوید گوش فرا دهیم. وجدان خود را نادیده نگیرید. داود به خدا گفت که وقتی گناه خود را نادیده گرفت، "دست تو (یعنی دست خدا) روز و شب بر من سنگین می بود. رطوبتم به خشکی تابستان مبدل گردید" (مزمور 4:32).

2- اگر عیسی ببیند چه می کنید، آیا شرمنده می شوید؟
پولس می فرماید: "لهذا حریص هستیم بر اینکه ... پسندیدهٔ او باشیم" (دوم قرنتیان 9:5). وقتی مادرم مرا از تبریز به تهران فرستاد تا به مدرسه برود، نصیحت بسیار خوبی به من کرد. گفت : "تت، تو آزادی هر کاری که می خواهی بکنی اما تا آن حد که توانی تجسم کنی که من هم در آن کارها کنارت هستم." مادرم هیچگاه پی نبرد که این حرفش باعث شد از چه "خوشیهایی" محروم شوم! درستی یا نادرستی رفتار ماست که تعیین می کند در حضور مسیح زنده سلوک می کنیم یا نه. اگر مسیح بیاید و درکنارتان بایستد، آیا احساس شرمندگی می کنید؟ اگر می کنید، همین دلیل خوبی است تا آن کار را ترک کنید.

3- آیا کارتان به هر نحوی سنگ لغزشی برای سایر مسیحیان می باشد؟

پولس می فرماید: "بنابراین ، بر یکدیگر حکم نکنیم، بلکه حکم کنید به اینکه کسی سنگی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود ننهد" (رومیان 13:14). در روزگار پولس، گوشتی که برای بتها قربانی می شد، موضوع روحانی مهمی به حساب می آمد. پولس می گوید که خوردن آن اشکالی ندارد، اما اگر این کار باعث لغزش برادری می شود، نباید آنرا خورد. اصل تعیین کننده در اینجا، محبت نسبت به برادر ضعیف تر است. امروز هم ممکن است دربارهٔ بعضی مسائل بحث کنیم که گناه هستند یا نه. سئوال اینجاست که آیا برادرم را آنقدر دوست دارم که بعضی از آزادیهای مسیحی خود را در راه او فدا کنم؟

4- آیا کارتان باعث اختلاف میان دیگران می شود؟

پولس می نویسد : "اگر ممکن است ، به قدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکوشید" (رومیان 18:12) . یک عمل خاص ممکن است به خودی خود گناه نباشد، اما اگر باعث بروز اختلاف میان برادران و خواهران می شود، باید از آن دوری کرد. در کلیسایی خدمت می کردم که در مورد رفتار شایسته در روز خداوند اختلاف نظر وجود داشت. رهبران کلیسا برای جلوگیری از بروز اختلاف، نظر آن گروهی را محترم شمردند که احساس می کردند روز یکشنبه را باید به طرز خاصی مراعات کرد و برخی کارها را در آن روز انجام نداد.

5- آیا کارهایتان باعث می شود که دیگران در مسیح رشد کنند؟

"پس آن اموری را که منشأ سلامتی و بنای یکدیگر است، پیروی نمایید" (رومیان 19:14) . هیچگاه آن روز را از یاد نخواهم برد که شبانم از سوی بعضی از اعضای ناراضی مورد حملهٔ لفظی قرار گرفت. او به جای اینکه از خود دفاع کند، جلو رفت و دست ایشان را گرفت و برایشان دعا کرد. کار او در آن روز سبب شد که من در مسیح رشد کنم. مردم همیشه به ما خادمین نگاه می کنند؛ عمل درست ما نمونه

ای خوب بر جای می گذارد و دیگران را به سوی رشد در مسیح رهنمون می کند.

6- آیا کارهایتان باعث اسارتتان می شود؟

"پس اگر پسر شما را آزاد کند، در حقیقت آزاد خواهید بود" (یوحنا 36:8 و لوقا 18:4) . بعضی کارها هستند که انجامشان در حد متعادل بی ضرر است، اما اگر همان کارها شروع به کنترل ما کنند، آنگاه باید از آنها دوری بجوئیم. عادت بد، اعتیاد به مواد مخدر،مشروبات الکلی ،سکس، و بسیاری چیزهای دیگر ما را اسیر می سازند و این امر مورد پسند خدا نیست. پولس رسول می فرماید: "پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد استوار باشید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید" (غلاطیان 1:5). یقین حاصل کنید که فقط در خدمت و بندگی مسیح هستید، نه چیز دیگری!

7- آیا کارهایتان باعث جلال مسیح می گردد؟

باز از پولس رسول نقل قول می کنیم که فرموده: "پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هر چه کنید، همه را برای جلال خدا بکنید" (اول قرنتیان 31:10). هرچقدر خصائل اخلاقی و کارهایمان بیشتر شبیه مسیح شود، بیشتر باعث جلال خدا خواهیم شد. وقتی به زیبائی ماه کامل نگاه می کنیم ، به این واقعیت فکر می کنیم که آن از خود هیچ نوری ندارد بلکه فقط نور خورشید را منعکس می سازد. ما نیز باید در نور مسیح زندگی کنیم و انعکاسی باشیم از پسر خدا. هر روز در موقعیت هایی قرار می گیریم که لازم است دست به انتخاب بزنیم. در این شرایط باید به یاد داشته باشیم که هر عمل ما باید باعث جلال مسیح و پیشرفت ملکوت او گردد.

بخش چهارم

راههای خدا برای هدایت ما

"دلی نیز که معرفت ندارد نیکو نیست، و هرکه به پایهای خود می شتابد، گناه می کند" (امثال 2:19)

در آخرین بخش از مبحث درک ارادۀ خدا، خاطر نشان می سازم که خدا خواهان آن است که ارادۀ خود را بر ما مکشوف سازد و آنگاه که ما با فروتنی از او مسئلت بجوئیم ، چنین خواهد کرد. "مسکینان را به انصاف رهبری خواهد کرد و به مسکینان طریق خود را تعلیم خواهد داد" (مزمور 25:9). فروتنی ما از این ثابت می شود که تعلیم پذیر باشیم و در تمامی رههایی که خدا ما را بدان هدایت می کند از او اطاعت کنیم. بیایید برخی از راههایی را که خدا از طریق آن ما را هدایت می کند؛ بررسی کنیم.

1- خدا برای خدمات خاص دعوت خاص نیز به عمل می آورد.
زندگی ارمیای نبی نمونه ای است روشن: "قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم، تو را شناختم و قبل از بیرون آمدنت از رحم، تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امت ها قرار دادم" (ارمیا5:1). خدا در طول تاریخ افراد را برای خدمات خاصی برگزیده است. جهت درک ارادهٔ خدا برای زندگی تان، ابتدا باید بدانید که دعوت او از شما چیست. اغلب این دعوت به صورت اشتیاقی درونی و عمیق برای خدمت به خدا در فرد ظاهر می شود و با گذشت زمان قوی تر و عمیق تر می گردد. آنان که چنین دعوتی را در خود احساس می کنند، درمی یابند که با انجام هیچ کار دیگری به چنین شادی و آرامشی دست نمی یابند. هرچند شخص می تواند این اشتیاق را سرکوب کرده و فرونشاند (اول تسالونکیان 5:22-19). اما باید درنظر داشت که چنین دعوتی باید از طرف کلیسای خدا نیز مورد تأئیی قرار بگیرد. خدا شما را در خلاء به خدمت فرا نمی خواند، بلکه در جمع ایماندارانی که شما را می شناسند، و می بینند که خدا چگونه شما را به خدمت خوانده است. من خود وقتی احساس کردم که خدا مرا برای خدمت فرا می خواند، به نزد رهبران کلیسا رفتم و از ایشان خواستم که برای این امر دعا کنند و از خدا هدایت بخواهند؛ و وقتی تأیید کردند که خداوند این موضوع را برای ایشان نیز روشن ساخته، بسیار خوشحال شدم. پس بسیار مهم است که دعوت خدا را برای زندگی خود بدانید.

2- خدا برای هدایت کردن ما، مسیحیانِ با ایمان را بکار می گیرد.
آنان که فکر می کنند مستقیماً با خدا در ارتباطند و به مشورت دیگران نیازی ندارند، دچار غرور و تکبرند. ببینید سلیمان نبی در مورد چنین افرادی چه می گوید: "راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می باشد" (امثال 25:16). "از تکبر جز نزاع چیزی پیدا نمی شود، اما با آنانی که پند می پذیرند حکمت است"(امثال

10:13). "پند را بشنو و تأدیب را قبول نما، تا در عاقبت خود حکیم بشوی"(امثال 20:19). اگر تا کنون از کسی مشورت نطلبیده اید، افراد حکیم و روحانی را به مشورت بطلبید. به تنهایی دست به تصمیم گیریهای بزرگ نزنید که این کاری است بس ابلهانه. در مشورت طلبیدن از افراد روحانی حکمتی نهفته است که می تواند شما را از غم و اندوه برهاند. اگر خواهان آن نیستید که پیش از اجرای برنامه ها و نقشه هایتان با دیگران مشورت کنید، پس باید بدانید که یکی از راههایی را که خدا می تواند از طریق آن شما را هدایت کند، مسدود ساخته اید.

3- خدا مطابق عطایای روحانی که به ما عطا فرموده، مارابکار میگیرد.

بسیاری از خدمات مسیحی با شکست مواجه شده اند صرفاً بدین جهت که خادمی عطای خاص خود را نشناخته است. پولس رسول می فرماید: " اما دربارهٔ عطایای روحانی، ای برادران نمی خواهم شما بی خبر باشید" (اول قرنتیان 1:12). و در همان متن ادامه داده، چنین می گوید که عطایای مختلف برای انجام خدمات مختلف بکار می آید. وقتی عطایای روحانی خود را تشخیص می دهیم، آنگاه است که می توانیم دعوت خدا را نیز تشخیص دهیم. عطایای خدا به سادگی و زمانی در ما آشکار می شوند که :

* نیازهای کلیسای خدارا تشخیص می دهیم و درصدد رفع آنها برمی آئیم.
* عطایای خود را بکار می گیریم وتوانایی های خود را شکوفامی سازیم.
* عطایای روحانی خود را با قدرت روح القدس بکار می گیریم ومایهٔ برکت دیگران می شویم. فردی فکر می کرد و اصرار داشت که عطای تعلیم دارد اما هیچ یک از افراد ار تعالیم او راضی و خشنود نبودند و واقعیت امر را به وی نیز گفتند. او با ناراحتی چنین پاسخ داد: " مشکل

اینجاست که شما عطای شنیدن و تعلیم یافتن ندارید!" پس به جای اصرار ورزیدن بر این که عطایی خاص داریم، بهتر آن است که به نظرات و واکنشهایی که افراد در مقابل خدمات ما نشان می دهند توجه کنیم و خدمات خود را در راستای توانایی ها و عطایایمان درپیش گیریم.

4- نمیتوان ارادهٔ خدا را ازطریق"بازوبسته شدن درها" تشخیص داد.
برخی تلاش می کنند که برای درک ارادهٔ خدا فرمولی بوجود بیاورند. بعنوان مثال با خود چنین می اندیشند "اگر فلان در بسته شد، پس انجام فلان کار ارادهٔ خدا برای من نبوده است، و اگر دری باز شد، انجام فلان کار به وضوح ارادهٔ خدا است برای من!" . این نوع ساده انگاری دارای مشکلی است. این روش کتاب مقدسی نیست. پولس رسول اغلب هدایت میشد به مناطقی برود که درهای آن به روی او گشوده نبود. " دربارهٔ ما نیز دعا کنید که خدا درِ کلام را به روی ما بگشاید" (کولسیان 3:4). پدر من بیست سال دعا می کرد که خدا درهای کشور افغانستان را بگشاید و به او فرصت دهد تا در آن کشور به نام مسیح شهادت دهد، و خدا نیز عاقبت به دعای او پاسخ داد. در بسته به مثابه عدم تأیید ارادهٔ خدا نیست. زیرا او می تواند درهای بسته را بگشاید(اعمال 19:5). و به همین ترتیب، در باز نیز به مثابه تأیید ارادهٔ خدا نیست. پولس رسول در دوم قرنتیان 2:12-13 می فرماید: " اما چون به تروآس به جهت بشارت مسیح آمدم و دروازه ای برای من در خداوند باز شد، در روح خود آرامی نداشتم، از آنرو که برادر خود تیطس را نیافتم." فرصت ها بدست می آیند و از دست می روند اما این فرصت ها را به مثابه نشانه هایی قطعی از تأیید ارادهٔ خدا برای خود درنظر نیگیرید.
و بالاخره اینکه می خواهم شما را ترغیب کنم تا ارادهٔ خدا را در جهت خدمتی که برای شما درنظر دارد جستجو کنید. می خواهم فرصت را مغتنم بشمارم و به شما پیشنهاد کنم که یک روز را با خدا خلوت کنید و به این سئوالات پاسخ دهید :

1- بهترین کاری که می توانم انجام دهم چیست؟
2- چه خدمتی انجام داده ام که خدا آنرا دائماً برکت داده است؟
3- مهم ترین چیز برای من چیست؟
4- می خواهم مردم مرا به خاطر چه چیزی به یاد بیاورند؟

درضمن اینکه به سئوالات فوق پاسخ می دهید، از خدا بخواهید که خدمت خاصی را که برای سالهای آتی زندگی تان در نظر دارد بر شما آشکار فرماید. آنچه به شما کمک می کند که بدانید ارادۀ خدا را دریافته اید، این است که احساسی شبیه به احساس پولس رسول داشته باشید که فرمود: "در اجتهاد کاهلی نورزید و در روح سرگرم شده، خداوند را خدمت نمائید" (رومیان 11:12). وقتی ارادۀ خدا را برای زندگی خود دریافتید، در خداوند شادی و وجدی عظیم خداهید کرد. "خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند، رحمت تو تا ابدالاباد است. کارهای دست خویش را ترک منما" (مزمور8:138).

مؤسسة تعليم
www.TalimMinistries.com

KelisaOnline.com Production